

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

آزاد ل.

۱۸ جولای ۲۰۱۳

پایان - به ادامه

خوش بود تا محک تجربه آید به میان

تا سیه روی شود هر که در او غش باشد

با اظهار سپاس و قدردانی از نوشته علمی و همه جانبه مبارز زندان دیده و انقلابی پر شور کشور، آقای کبیر توخی که عمری را یعنی بهترین ایام زندگی اش را در دفاع از حقوق انسانی خلق زجر کشیده و بلا دیده ما پشت میله های زندان سپری نموده اند به ارتباط صحبت با چند چهره انقلابی نمای مرتجع و خاین خواستم پیرامون آنچه قبلاً نوشته ام کمی روشنتر صحبت نمایم.

با درک احساس مسؤولیت در قبال (اندیشه دموکراتیک نوین) عمل کرد کسانی که خواسته اند در چوکات بندی این اندیشه (شعله جاوید) در جامعه ما در قالب های سازمانی و یا به شکل انفرادی تبارز نموده و در این چوکات یا واقعاً مبارزه نموده و یا هم موضوعاتی را به غلط قالب نموده و به افراد جامعه ما تقدیم داشته و می دارند تا اندازه توان مد نظر داشته و خواسته بودم تا فرق و تمایز بین انقلابیون واقعی و فرزندان راستین توده ها و آنهایی را که می توان تازه به دوران رسیده های شهرت طلب نام گذاشت، حد فاصل گذاشته باشم و چنین موضوعی روشن گردد مخصوصاً این که در این اواخر چند نفر به اصطلاح «نو چندک مائویست» خود را در آرایش انقلابی قرار داده و فهمیده و یا هم آگاهانه به دستور اربابان شان وارد صحنه سیاست شده و با ادعاهای خالی از حقیقت، انقلابی تر از همه مارکسیست-لنینیست ها غرض تخریب و بد نام ساختن جنبش های ملی و دموکراتیک انقلابی شده اند و قسمتی از این ادعا را در نوشته های دو سه نفر محدود در سایت شورش و ... خواننده و متوجه شدم که آنها با تمسخر و ریشخند و همچنان فحش و دشنام به هر چه جانباز و مبارز انقلابی این مرز و بوم بود و است پرداخته اند، این که چرا نوشتیم (با درک احساس مسؤولیت) مختصراً می توانم توضیح دهم:

احساس مسؤولیت من در قبال این اندیشه است و سوءاستفاده تاجران سیاسی از آن !! و بنده سخت به اندیشه های دموکراتیک نوین اعتقاد داشته و پیروان و جانبازان و مبارزان واقعی آن راه را که تا پای جان غرض نجات توده ها رزمیده اند تا این که به جاودانگی پیوستند (مجید قهرمان - قیوم رهبر - و رفیق فیض احمد و مینای جانباز قهرمان و ...) و هم به آنانی که با اتکاء به این اندیشه اسلحه به دست گرفته و در مقابل دولت های استبدادی و باداران شان همچنان در مقابل سوسیال امپریالیسم شوروی شجاعانه و متعهد با ملت در راه آزادی تا آخر جنگیدند (مثل مبارز نستوه و با حرأت استاد گرامی آقای موسوی - قهرمان وطنخواه و مردم دوست آقای پغمانی و به هزاران مبارز دلیر و وطنپرستی که بهترین ایام جوانی شان را در سلول های مخوف زندانهای مرتجعین و دولت های خادم استعمار گذشتانند

مثل (آقای کبیر توخی و ...) و صد ها و هزاران انسان باشرف و وطنپرست که سراسر عمر شان به مبارزه علیه ارتجاع ، استعمار ، امپریالیسم جهانی گذشته است (مثل میرویس ودان محمودی و...) بی اندازه احترام دارم فلها به خاطر اعتقاد به باور های خود هر نوع سوءاستفاده سیاسی را خیانت به این مفکوره و جنبش دانسته و مجبور به دفاع از این اندیشه خود را می دانم و این که در این اواخر چند بی سرو پای لچک خو، با داشتن نچندان سابقه خوب با دریشی های اتو نموده و ساجق به دهن و ...، وارد معرکه شده و زیرنام اندیشه های چپ شروع به تخریب انقلابیون نمودند و همچنان به نفی تمام رهبران این جنبش ها که در راه نجات کشور و آزادی انسانیت و توده ها، جان های شیرین خود را از دست دادند پرداختند و همچنان توهین به تعدادی زیادی از این قهرمانان راه آزادی که بهترین ایام زندگی خود را در سلول های زندانها گذشتاندند شعار شان گردیده و از هیچ نوع فحش ، بهتان ، افتراء، و چرند گوئی رو گردان نشدند تا باشد که ذهن پیروان این اندیشه مخصوصاً نسل جوان ما را خلل دار ساخته و شخصیت کشی نمایند؟؟

البته آن بیچاره ها و تاریخ زده های جبون هم دلایلی دارند؟ که با در نظر داشت محتویات نوشته های نشر شده و زباله هائی را که نشخوار نموده اند می توان به کنه مطلب پی برد و آن نشان دهنده این است که چون نوکر استعمار اند، خادم بیگانگان، تأمین کننده منافع هر چه خاین، مرتجع و پست فطرت است می باشند اجباراً به چنین کاری دست زده اند و آنها خیلی زحمت کشیده اند تا خود را لایق این پا بوسی ها سازند ، اگر کسی می تواند بگوید که همین سه نفر (داکتر غفور سناچ ، حسین جاسوس و صادق خاین) در تمام عمر خود یک روز فقط یک روز مبارزه واقعاً انسانی و عملی برای نجات توده های مظلوم کشور و آزادی آن ها انجام داده باشند و یا هم در زمان تسلط سوسیال امپریالیسم شوروی اسلحه برداشته و فقط یک دقیقه مبارزه صادقانه به نفع مردم نموده اند باز گناهان و یاهه گوئی ها، فحش و دشنام شان تا اندازه ای می تواند قابل حوصله باشد ،؟؟ (به جز ارتباط نا مشروع شان با داکتر زرغون خلقی ؟) اما کسانی که نتوانستند در ایام جوانی خود از خود در مقابل (داکتر زرغون خلقی) دفاع کنند امروز چطور می تواند با همکاری چند نفر از قماش خودش در اینترنت آمده به علاوه این که دعوی مبارزه آنها در پرتو اندیشه مترقی نماید و ادعا دارند که مارکسیسم را باید به تاریخ سپرد و ابلهانه از (بهار مائوئیسم) صحبت می دارند، آن ها را انقلابی دانست؟؟ مگر چنین طرحی در قاموس انقلاب خاینانه نیست؟؟ که است ! به خاطر این که آن ها گماشتگان و پیروان استعمار و قدرت های زورگوی دنیا می باشند، و آن ها وظیفه دارند تا هر جنبش چپی انقلابی توده ای را از بنیاد منفجر سازند و در ذهنیت مردم از رهبران آن ها مردمان ما جراجو ، خود خواه، و... ترسیم نمایند تا پایه های جنبش های توده ای و مردمی شکست بر دارد !! احمقانه است؟؟ نیست؟؟

با در نظر داشت ماهیت افشاء شده این پلیدان تاریخ چندی قبل نوشته ای زیر عنوان (پرسش و خواهش) از بنده به ارتباط همین موضوع در این پور تال آزادگان اقبال نشر یافت تا اگر ممکن باشد با این حرافان و نوکران انجو ها (فقط به خاطر روشن شدن ذهنیت عامه مخصوصاً نسل جوان در بر داشت شان از اندیشه های دموکراتیک نوین) در یک فضای آزاد نشسته و در بر خورد رو یاروی تثبیت شود که کی انقلابی است و کی جاسوس؟؟ آنها در کابل ویرانه افغانستان ! اما عکس العمل منفی و علاقه نشان ندادن آن سه نفر یعنی (آقای داکتر سناچ - حسین جاسوس و صادق ظفر خاین) به همچو تجمعی خود بیانگر این واقعیت تلخ است که این عالیجنابان فقط مبارزین نکتائی پوش و شیک های هالندی هستند که فقط می خواهند از راه نشرات اینترنتی خود را انقلابی جلوه داده و در همان حدود بسنده نمایند، تا باشد روزی چند نفر از بیخبران و خوشباوران این ملت در خون تپیده از آن ها منحیث (صدر) یاد کنند !!؟ همچنان باید به خاطر داشت که در صورت وقوع همچو تجمعی آنها چیزی برای گفتن نداشتند و ندارند و اگر آن همه صحبت ها که در آنجا صورت می پذیرفت و عاقلانه و انقلابی در معرض چشم دید توده ها قرار می گرفت ، این فیشنی های انقلابی

و رقاصان سیاسی راهی به جز خود کشی نداشتند!! فلها آنها خاموشی را تر جیح دادند تا عکس العمل!! در مقابل همچو پیشنهاد!!؟؟

و آنچه فهمیده شد این عالیجنابان با دهن پارگی و فحش دادن به همه انقلابیون و مبارزان راه آزادی فقط می خواهند خود را در جامعه مطرح سازند و به ساده لوحان سیاسی و سطحی نگر مسایل سیاسی و مبارزاتی کشور وانمود سازند که آنها هم یک کاره‌ای هستند؟؟ که این بدترین راه زندگی نمودن و خجالت آور ترین راهی است که آنها انتخاب نموده اند.

خواندن نوشته‌های سازمان انقلابی افغانستان، نوشته‌های استاد گرانقدر و مبارز نستوه آقای موسوی - افشاء گری های فرزند قهرمان وطن آقای پغمانی و مدارک و اسناد ارائه شده توسط فرزند دلیر و مبارز استوار توده ها میرویس ودان محمودی و بر خورد انقلابی و با شهامت مبارز زندان دیده آقای کبیر توخی و دوستان و رفقای دیگر در این ارتباط همه و همه بیانگر واقعیت‌های تلخی پیرامون زندگینامه ننگین این بی حرمتان به جنبش انقلابی می باشد فلها با نادیده گرفتن آنها در سطح ملی و بین‌المللی منحيث یک گروه و یا هم افرادی با نقاب انقلابی پیرو اندیشه دموکراتیک نوین می توان در قبال مبارزه با استثمار و استعمار جهانی و دولت های مرتجع دست نشانده قوت های بین‌المللی مبارزه با آنها را هم در هر حدودی که باشد نباید فراموش کرد و تا زمانی که هویت اصلی و ماهیت شخصیتی آنها به توده ها آشکار گردد، باید این مبارزه را ادامه داد.

از حسن نظر، توصیه‌ها، نظرات و موضع گیری تمام دوستانی که به ارتباط این مسأله با من تماس گرفته و نوشته‌هایی پیرامون روشن شدن فکتور های اصلی داشته‌اند، اظهار سپاس می نمایم